

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فِیْشِ مَنْبَر

آموزه‌های زیارتنامه اربعین

استاد جوادى آملی



کانال فیش منبر در ایتا

<https://eitaa.com/fishemenbar>

نماز، زیارت خداست^[۱] و حج و عمره، زیارت خانه اوست و زیارت امام، دیدار با خلیفه خدا و آینه تمام‌نمای هستی است. نماز دارای آثاری است که نهی از فحشا و منکر یکی از رهاوردهای بی‌شمار آن است،^[۲] و حج دارای فوایدی است که آزادگی از رجس شرک و رهایی از پلیدی دشمنان الهی، از برکات آن است؛ اما زیارت سالار شهیدان را ثمراتی برتر از حج است^[۳] و هم‌ردیف نماز از آن یاد شده است.^[۴]

یکی از برترین زیارت‌های آن حضرت، زیارت اربعین است که سفارش‌های بسیاری از سوی معصومان نسبت به آن وارد شده است. ما در این نوشتار بر آنیم در دو فصل، به معرفی زیارت اربعین و شرح برخی فرازهای زیارت‌نامه اربعین پردازیم.

معرفی زیارت اربعین

۱. زیارت اربعین، از علامات مؤمن

زیارت اربعین به نقل از صفوان جمال از امام صادق(ع) روایت شده که یکی از مهم‌ترین دعاها برای زیارت امام حسین(ع) است. در فضیلت این زیارت، همین بس که از آن به عنوان یکی از نشانه‌های مؤمن یاد شده است. امام حسن عسکری(ع) درباره آن فرمود: «علامات المؤمن خمس: صلاة الخمسین و زیارة الأربعین و التختّم فی الیمین و تعفیر الجبین و الجهر ببسم الله الرحمن الرحیم».^[۵]

مواردی که درباره این روایت آمده، همگی از مختصات شیعیان است؛ زیرا ۵۱ رکعت نماز، [۶] به شکلی که از پیامبر نقل شده است، از مختصات شیعیان است و فقط شیعه است که سجده بر خاک دارد و نیز غیر شیعه یا بسم الله الرحمن الرحیم را نمی گویند یا آهسته تلفظ می کنند. همچنین شیعه است که انگشتر به دست راست کردن و نیز خواندن زیارت اربعین حسینی را مستحب می داند.

۲. اهمیت زیارت اربعین

اهمیت زیارت اربعین، تنها به این نیست که از نشانه‌های ایمان است، بلکه طبق روایت امام حسن عسکری(ع) در ردیف نمازهای واجب و مستحب قرار گرفته است. بر پایه این روایت، همان گونه که نماز ستون دین و شریعت است، زیارت اربعین و حادثه کربلا نیز ستون ولایت است.

به دیگر سخن، بر اساس فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله ، عصاره قرآن که دین خداست، ستونی دارد و آن نماز است [۷] و بر اساس روایت امام عسکری(ع)، عصاره عترت نیز ستونش زیارت اربعین است و این دو ستون در کنار هم ذکر شده است؛ ولی مهم آن است که دریابیم چگونه نماز و زیارت اربعین، انسان را متدین می کنند.

درباره نماز، ذات اقدس الهی، معارف فراوانی را ذکر کرده است. مثلاً فرموده به طور فطری انسان، موحد است، ولی طبیعت او هنگام حوادث تلخ، جزع دارد و در حوادث شیرین، از خیر جلوگیری می کند، مگر انسان‌های نمازگزار، [۸] چرا که

آنان می‌توانند این خوی سرکش را تعدیل کنند و از هلوع، جزوع و منوع بودن به درآیند و مشمول رحمت‌های خاص الهی باشند. همچنین زیارت اربعین نیز انسان را از جزوع، هلوع و منوع بودن باز می‌دارد.

آثار زیارت انسان‌های کامل و معصوم (ع)

زیارت انسان‌های کامل و معصوم (ع) رهاوردها و میوه‌های فراوانی دارد که اجتهاد در فهم دین و جهاد در تبیین دین، اجرای دستورات الهی، دفاع و حمایت از ارکان اسلام از جمله این رهاوردها و برکات به شمار می‌آیند و نمونه‌های این‌گونه برکات را می‌توان از اوصاف کمالی آنان در زیارت‌نامه‌های آنان دید، آنجا که می‌گوییم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اتَّبَعْتَ الرَّسُولَ وَ تَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِهِ»^[۹] بر این اساس، کسی که به زیارت آنان می‌رود، چنین ویژگی‌هایی را طلب می‌کند و از چنین کمالاتی بهره‌مند می‌شود.

۳. ویژگی عدد اربعین در آیات و روایات

از بعضی آیات و روایات استفاده می‌شود که عدد چهل خصوصیتی دارد که در اعداد دیگر نیست. در قرآن آمده است که جریان میقات حضرت موسی (ع) با خدای سبحان، چهل روز به طول انجامید.^[۱۰] بنی‌اسرائیل نیز به دلیل ناسپاسی در برابر نعمت‌های الهی و تلاش‌های حضرت موسی (ع)، به مدت چهل سال در بیابان سرگردان شدند.^[۱۱]

در احادیث نقل شده است در جریان آفرینش حضرت آدم(ع)، سرشت طینت او به دست خداوند، به مدت چهل روز ادامه یافت [۱۲] یا پیکر شریف آن حضرت، چهل سال باقی ماند، سپس روح در آن دمیده شد [۱۳] و نیز محدثان شیعه و سنی درباره تأثیر حفظ چهل حدیث از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند اگر کسی چهل حدیث نافع برای امت، نه برای شخص خود حفظ کند یا از راه تبیین آن برای مردم یا از راه پیاده کردن عملی آن در جامعه آن را حفظ کند، روز قیامت، فقیه محشور می‌شود. [۱۴]

حدیث معروفی نیز از طرق متعددی از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره اخلاص نقل شده است که فرمود: «هر کس به مدت چهل روز اخلاص بورزد، خداوند چشمه‌های حکمت را از قلبش به زبانش جاری می‌سازد». [۱۵]

همچنین غالب انبیای الهی در چهل سالگی به رسالت مبعوث شده‌اند و در نماز شب سفارش شده است که چهل مؤمن را دعا کنید و همسایگان را تا چهل خانه گرامی بدارید. اینها نشان می‌دهد که عدد چهل از برجستگی خاصی در اسلام برخوردار است.

۴. عدد چهل درباره امام حسین(ع)

در روایات چنین آمده است: زمین در سوگ انبیا و اولیای الهی و بندگان مؤمن که بر روی آن خدا را عبادت کرده‌اند، چهل روز می‌گرید، ولی در شهادت امام حسین(ع) آسمان و زمین، چهل روز خون گریه کردند. البته اشک یا خون را در

این گونه از روایات نباید بر اشک یا خون ظاهری حمل کرد، چنان که نباید آن را انکار کرد.

گفتنی است گرامی داشت یاد در گذشتگان در همه ملل و ادیان، رسمیت دارد و بعضی با گذشت یک ماه و بسیاری نیز پس از چهل روز از متوفای خود تجلیل می کنند. در میان مسلمانان، به ویژه شیعیان، پس از شهادت امامان معصوم (ع) در نخستین اربعین آنان مراسم گرامی داشت انجام می شده است؛ ولی شهادت امام حسین (ع) این ویژگی را دارد که هر ساله، اربعین حسینی تا قیامت ادامه خواهد داشت.

بررسی بخش‌هایی از زیارت اربعین

۱. اهداف قیام حسینی در زیارت اربعین

«وَبَدَلَ مَهْجَتَهُ فَبِكَ لَيْسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ.» [۱۶] در زیارت اربعین می خوانیم که قیام وجود مبارک حسین بن علی (ع) برای دو هدف بود و آن حضرت برای این دو خون جگر خود را داد:

۱. نجات مردم از جهل و با فرهنگ کردن مردم؛

۲. به در آوردن مردم از ضلالت و گمراهی عقلی.

به استناد حدیث «حُسَيْنٌ مِّنِّي وَ أَنَا مِنْ حُسَيْنٍ»، [۱۷] هدف حسین بن علی (ع) همان هدف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. بر اساس قرآن و نهج البلاغه، هدف

رسالت انبیای الهی، دو چیز است: یکی عالم کردن مردم و دیگری عاقل کردن آنها به وسیله تهذیب نفس. کسانی که جاهلند، دستور خدا را نمی‌دانند و کسانی که عالمند، ولی بر اثر نداشتن عقل به دانش خود عمل نمی‌کنند، توان تربیت خود یا دیگران را ندارند. از این رو، انبیا برای تعلیم و تزکیه مردم مبعوث شدند که خوبی‌ها را به مردم بشناسانند و عملاً آنان را برای رسیدن به نیکی و سعادت هدایت کنند.

امیر مؤمنان علی(ع) می‌فرماید: «خدای سبحان به دست پیامبر گرامی دو کار کرد؛ مردم را با فرهنگ و باسواد کرد و آنها را از گمراهی به درآورد».^[۱۸]

رهبران الهی به مردمان، اندیشه ناب و انگیزه صحیح می‌بخشند و بخشش‌های علمی و معنوی، والاترین بخشش‌هاست. از این رو، معصومان(ع) فرمودند: «پیامبر از بخشنده‌ترین مردمان بود»^[۱۹] زیرا مائده و سفره معنوی را گشود و غذای آماده را بر آن چید. آن‌گاه جامعه انسانی را به زندگی جاوید فرا خواند. حسین نیز از پیامبر بود و همانند او عمل کرد».

۲. کرامت در زیارت اربعین

«أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ وَابْنُ وَلِيِّكَ وَصَفِيُّكَ وَابْنُ صَفِيِّكَ الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ أَكْرَمَتَهُ
بِالشَّهَادَةِ».^[۲۰]

اکرام در برخی اقسام خود، معادل جود و هبه و... است، ولی ممکن است انسان وارسته در حال تهی‌دستی نیز کریم باشد، ولی جواد و وهاب نیست؛ زیرا

گرم‌داری که درم ندارد، بالفعل کریم است؛ گرچه بالفعل جواد و واهب و... نیست.

همان‌طور که کرامت از شئون عقل عملی است، مانند جود و سخا و هبه، از شئون عقل نظری نیز به شمار می‌آید؛ مانند معرفت و درایت و شهود. همچنین انسانی که به مقام نبوت نایل آمده، کرامت خاصی نصیب وی شده و خداوندی که وی را به نبوت رسانده، نسبت به او اکرام کرده است. سیدالشهدا(ع) فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ عَلَى أَنْ أَكْرَمْتَنَا بِالنُّبُوَّةِ وَ عَلَّمْتَنَا الْقُرْآنَ وَ فَهَّمْتَنَا فِي الدِّينِ». [۲۱]

۳. امام حسین(ع) وارث پیامبران

«وَ أَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ». [۲۲] امام حسین(ع) وارث پیامبران الهی است و نهضت او ادامه و هم‌سو با جنبش آنان است. این مطلب، افزون بر زیارت اربعین، در زیارت وارث نیز آمده است. [۲۳]

امام حسین(ع) عملاً برای اثبات اینکه نهضت او مانند قیام موسای کلیم است، در حرکت از مدینه تا کربلا گام به گام، آیاتی را که درباره حضرت موسی(ع) نازل شده بود، قرائت می‌فرمود. [۲۴] ایشان با این کار به مردم فهماند که من وارث موسای کلیم هستم و یزید به جای فرعون نشسته است و منافقان همانند پیروان فرعونند. شما تا زمانی که با پیامبر بودید و از او پیروی می‌کردید، از رحمت خداوند برخوردار بودید. اکنون اگر از رهبران الهی پیروی نکنید، همچون بنی‌اسرائیل سرگردان خواهید شد.

۴. امام حسین (علیه السلام) سید همه سادات

«جَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِّنَ السَّادَةِ» [۲۵] قرآن کریم سخن همه انبیای الهی و کتاب‌های آنان را تصدیق می‌کند، ولی بر آنها هیمنه و سیطره دارد و اگر در امت‌های پیشین انبیایی بوده است، آورنده قرآن سید و خاتم آنان است و اگر در گذشته خلفای الهی بوده‌اند، خلیفه پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله که در دامان قرآن تربیت شده است، سید و سالار خلفاست.

همچنین اگر در امت‌های پیشین، کسانی به مقام ولایت یا امامت بار یافته‌اند، اهل بیت (ع)، سید آنان هستند. اکنون روشن می‌شود که اگر کسی از میان اهل بیت، شربت شهادت بنوشد، سید شهدای پیشین است و در این میان امام حسین (ع)، جایگاه ویژه‌ای دارد.

بر این اساس، «سیدالشهدا» فقط بزرگ شهدای کربلا نیست؛ زیرا این مقام برای امام حسین (ع) بسیار کوچک است؛ بلکه آن حضرت، سید و بزرگ همه انبیا و خلفایی است که در گذشته به شهادت رسیدند و نیز سید همه شهیدان غیر معصوم گذشته و آینده است.

۵. رهبری قائدانه امت

«وَ قَائِدًا مِّنَ الْقَادَةِ» [۲۶] رهبری پیامبران الهی، قائدانه است و نه سائقانه. قائد به کسی گفته می‌شود که پیشوا و پیشرو قافله است و دیگران را جذب می‌کند و به

دنبال خود می‌کشاند، ولی سائق آن است که زیردستان خود را همچو چوپان از پشت سر می‌راند.

اولیای الهی زمانی مردم را به راهی فرا می‌خوانند که خودشان، پیشاپیش آن را پیموده باشند. چنان‌که امیر مؤمنان علی بن ابی‌طالب (ع) فرمود: «ما هرگز به شما دستوری ندادیم، مگر آنکه خود پیش‌تر آن را انجام داده‌ایم.» [۲۷] کسی که با حرکت در پیشاپیش کاروان، خطرها را به جان می‌خرد و به پیشواز زندان، شکنجه، مهاجرت و شهادت می‌رود، آن‌گاه امت را به دنباله‌روی از خویش فرا می‌خواند و سخنش نفوذ و اثر ژرفی بر پیروان خواهد داشت؛ ولی رهبران سیاقی خود حرکت نمی‌کنند و خویشتن را به خطر نمی‌اندازند، بلکه از عقب قافله، دیگران را به حرکت و قیام سوق می‌دهند و رهنمود آنان نفوذی نخواهد داشت.

۶. جهاد برای صبار و شکور کردن جامعه

«فَجَاهِدْهُمْ فِیکَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّى سَفِکَ فِی طَاعَتِکَ دَمُهُ وَ اسْتَبِیحَ حَرِیمَهُ.» [۲۸]

امام حسین (ع) نه تنها خود در تمامی مراحل قیام صبار و شکور بود، بلکه با سخنان خود تلاش کرد که جامعه را به صبر و شکر دعوت کند. لازمه این کار، بیرون راندن محبت دنیا از دل است؛ زیرا تا انسان دل‌بستگی به دنیا دارد، حوادث و کاستی‌های مادی او را خواهد لرزاند و هیچ‌گاه صبور و شکور نخواهد بود. از این‌رو، سالار شهیدان در نامه‌ها و خطبه‌های خود علاقه به دنیا را از مردم

می‌زدود و اشتیاق به شهادت و جاودانه شدن را در دل‌های آنها زنده می‌کرد تا آنان بتوانند صَبَّار و شکور باشند.

گاهی آن حضرت این آیه را قرائت می‌فرمود: «هر جا باشید، مرگ خواه ناخواه شما را در می‌یابد و می‌میرید.» [۲۹] اگر با مرگ شرافت‌مندانه نمیرید، با بیماری‌های غیر شرافت‌مندانه رخت بر می‌بندید و اگر طیب و طاهر نشدید، مردار می‌شوید.

انسان باید میوه شاداب خود را به مهمانش اهدا کند؛ و گرنه می‌پوسد. میوه روی درخت یا چیده شده از آن، برای ابد نمی‌ماند و امکان خلود در این مرحله، محال است. از این رو، هر انسانی که در این دنیاست، باید خود را در راه خدا صرف کند و اگر در این راه، یعنی فی سبیل‌الله مصرف نشود، می‌پوسد.

بر این اساس در زیارت اربعین می‌گوییم: «... و کسانی که دنیا فریبشان داده بود به پشتیبانی هم با شما جنگیدند و آخرت خود را به بهایی بسیار اندک فروختند.» [۳۰]

۷. نصیحت و موعظه دشمنان

«فَاعْذَرَ فِي الدُّعَاءِ وَ مَنَحَ النَّصْحَ» [۳۱]

حسین بن علی (ع) در شرایطی قیام کرد که بر اثر طغیان حاکمان و جهل علمی و جهالت عملی توده مردم، قسمت مهم خاورمیانه مبتلا به انحراف عقیده و سوء خلق

و رفتار تبه کارانه بود و محرومیت از تبلیغ صالحان و نفوذ طالحان ددمنش، منشأ همه این تباهی‌ها شد.

حضرت سیدالشهدا در روز عاشورا فرمود: «سرّ اینکه نصایح من در شما اثر نمی‌کند و رهنمود مرا نمی‌پذیرید، این است که شکم‌های شما با حرام پر شده است» [۳۲] و غذای حرام ممکن نیست با اندیشه صحیح و حلال جمع شود.

۸. شهادت در پرتو پیروزی حق

«أَشْهَدُ أَنَّكَ... عِشْتَ سَعِيداً وَ مَضَيْتَ حَمِيداً وَ مِتَّ فَقِيداً مَظْلُوماً شَهِيداً» [۳۳]

همان‌طور که از نامه‌ها، پیام‌ها و خطبه‌های ایشان استنباط می‌شود، قیام حضرت امام حسین(ع) مبنای خاصی داشت. ایشان بر این باور بود که در نظام هستی، حق پیروز است؛ خواه از قدرت مادی برخوردار باشد خواه نباشد و باطل، محکوم به شکست است. امویان نیز بر این باور بودند که قدرت مادی دارند، پیروزند؛ خواه با حق همراه باشند یا نه.

این دو طرز فکر که همواره بوده و هست، از دو نوع جهان‌بینی سرچشمه می‌گیرد. کسی که جهان را در ماده خلاصه می‌کند و اصالت را به ماده می‌دهد، هر جا جریان طبیعت بیشتر حضور داشت، آنجا محور قدرت تلقی می‌شود؛ ولی کسی که جهان‌بینی را بر اساس حقیقت هستی تنظیم کرده است، اصالت را به معنا می‌دهد و در محور حق حرکت می‌کند. بر این اساس، همیشه در برابر انبیای الهی، افرادی قیام می‌کردند که بر این باور بودند: «قَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنْ اسْتَعْلَى» [۳۴] یعنی

کسی پیروز خواهد شد که از نظر مادی برتر است. در برابر چنین تصویری، انبیای الهی باور داشتند که: «قد أفلح من تزكى»، [۳۵] یعنی آن که پاکیزه و مهذب است، پیروز خواهد شد.

۹. وراثت از امام حسین(ع) عامل نصرت دین و اصلاح جامعه

«و نُصِرْتِي لَكُمْ مُعَدَّةً حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ». [۳۶]

رهبران الهی می‌کوشند جامعه انسانی را وارث حسین بن علی(ع) کنند. اگر جامعه‌ای وارث حسین بن علی(ع) باشد، میراث همه انبیا را نیز به اندازه خود خواهد داشت؛ چون یکی از شعارهای رسمی هنگام برخورد با یکدیگر در مراسم سوگ سالار شهیدان، این است: «عَظَّمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُصَابِنَا بِالْحُسَيْنِ(ع) وَ جَعَلَنَا وَ إِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَأْرِهِ مَعَ وَلِيِّهِ وَ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ». [۳۷]

بخش نخست عبارت یاد شده، آن است که ما در سانحه سنگین کربلا اندوهگین و مصیبت‌زده‌ایم. خداوند اجر همه را افزون کند. بخش دوم شعار این است که خداوند ما را جزو کسانی قرار دهد که برای خون‌خواهی سالار شهیدان و گرفتن خون‌بهای حسینی، موفق به قیام هستند!

ما وقتی می‌توانیم خون‌بهای حسین بن علی(ع) را بگیریم که وارث او باشیم؛ چون اگر وارث او نباشیم، خون‌بها به ما ارتباطی ندارد؛ یعنی اگر کسی نسبت به مقتولی یا شهیدی بیگانه باشد، حق ندارد برای خون‌خواهی او انتقام بگیرد. پس طبق این

شعار و دعا، ما جزو وارثان حسین بن علی(ع) بوده و آماده خون‌خواهی آن حضرت هستیم.

بنابراین، راهیان طریق حسین بن علی(ع) که جزو وارثان او هستند، می‌توانند به خون‌خواهی شخصیت حقوقی سالار شهیدان به مبارزه با ظلم پردازند، نه اینکه فقط مصرف‌کننده نهضت حسینی باشند.

بسیاری از افراد بر این باورند که ما فقط مصرف‌کننده نهضت کربلاییم، مانند داروخانه‌ای که محصولاتش برای همه مردم سودمند است، اما خواص بر این اعتقادند که ما هم مصرف‌کننده این نهضتیم تا به صلاح رسیم و هم باید تولیدکننده نهضت‌های اسلامی باشیم تا مصلح شویم.

۱۰. حرکت به سوی لقای الهی

سالار شهیدان، امام حسین(ع) نیز مانند پیامبران الهی، خود از پیش می‌رفت و دیگران را به حرکت فرا می‌خواند. آن حضرت در روز هشتم ذی‌الحجه (روز ترویج) در میان زائران بیت‌الله فرمود: امروز قربان‌گاه ما سرزمین کربلا و جامه احرام ما کفن است. باید برای نجات اسلام، جان خویش را قربانی کنیم. تنها آنان که جان خود را بر کف دست نهاده‌اند، با من همراه شوند؛ نه آنان که امید نام و نان و پیروزی ظاهری دارند. کسانی با من همراه شوند که وطنشان لقاءالله است.

«مَنْ كَانَ فِينَا بَادِلًا مُهْجَتَهُ مُوْطِنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسُهُ فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا فَإِنِّي رَاحِلٌ مُصْبِحًا

إِنْ شَاءَ اللَّهُ» [۳۸]

به همین دلیل، همراهان و یاری کنندگان آن حضرت را بهترین اصحاب می‌شناسند و در پایین قدم حضرت آرمیدند و ما بر همه آنان پس از سلام بر امام حسین(ع)، سلام می‌گوییم: «فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَ أَجْسَادِكُمْ وَ شَاهِدِكُمْ وَ غَائِبِكُمْ وَ ظَاهِرِكُمْ وَ بَاطِنِكُمْ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ».^[۳۹]

منابع

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه، قم، دارالهجره.

۱. اللهوف، سید ابن طاووس، تهران، جهان، ۱۳۴۸.
۲. عوالی الثالی (جلد ۴)، ابن ابی‌جمهور احسائی، قم، انتشارات سید الشهدا(ع)، ۱۴۰۵ هـ.ق.
۳. المحاسن (جلد ۱)، احمد بن محمد بن خالد برقی، قم، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۷۱ هـ.ق.
۴. وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، قم، مؤسسه آل‌البیت(ع)، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۵. التوحید، شیخ صدوق، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۹۸، هـ.ق.
۶. التهذیب (۱۰ جلد)، شیخ طوسی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۵.
۷. الارشاد (۲ جلد در یک مجلد)، شیخ مفید، قم، انتشارات کنگره جهانی شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۸. بحار الانوار، علامه مجلسی، لبنان، مؤسسه الوفاء بیروت، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۹. تفسیر الصافی، ملا محسن فیض کاشانی، تهران، الصدر، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۱۰. کافی، محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۵ هـ.ق.
۱۱. مستدرک الوسائل، محدث حسین نوری، قم، مؤسسه آل‌البیت(ع)، ۱۴۰۸ هـ.ق.

[۱]. «مَعْنَى قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ فِي الْإِقَامَةِ أَيْ حَانَ وَقْتُ الزِّيَارَةِ». التوحید، شیخ صدوق، ص ۲۴۰

[۲]. «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ». عنكبوت: ۴

[۳]. «بَابُ تَأَكُّدِ اسْتِحْبَابِ زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ». نك: وسائل الشيعه، حر عاملی ج ۱۴، ص ۴۹، باب ۳۷

[۴]. التهذيب، شيخ طوسي، ج ۶، ص ۵۲.

[۵]. «نشانه‌های مؤمن و شيعه، پنج چیز است: اقامه نماز پنجاه و یک رکعت، زیارت اربعین حسینی، انگشتر در دست راست کردن، سجده بر خاک نمودن و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحيم». همان

[۶]. مراد از نماز پنجاه و یک رکعت، همان هفده رکعت نماز واجب روزانه به اضافه نمازهای نافله است که جبران کننده نقص و ضعف نمازهای واجب است.

[۷]. «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ». المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، ج ۱، ص ۲۸۶

[۸]. «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا، ذَا مَسَّةٍ شَرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ». معارج: ۱۹ - ۲۲

[۹]. «شهادت می‌دهم که شما نماز را به پا داشتید و زکات را پرداخت نمودید و امر به معروف و نهی از منکر کردید و پیروی از پیامبر نمودید و قرآن را به درستی تلاوت کردید». کافی، کلینی، ج ۴، ص ۵۷۴

[۱۰]. نك: اعراف: ۱۴۲.

[۱۱]. مائده: ۲۶.

[۱۲]. «خَمَرٌ طِينَةٌ آدَمُ بَيْدَى أَرْبَعِينَ صَبَاحًا». عوالي اللئالی، ابن ابی جمهور احسائی، ج ۴، ص ۹

[۱۳]. تفسير صافي، ملامحسن فيض كاشاني، ج ۱، ص ۹۵.

[۱۴]. «مَنْ حَفَظَ عَلَيَّ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا يَنْتَفِعُونَ بِهَا بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقِيهًا عَالِمًا». بحار الانوار، مجلسی، ج ۲، ص ۱۵۶

[۱۵]. «مَنْ أَخْلَصَ لِلَّهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فَجَرَّ اللَّهُ يَنْبِيعَ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ». همان، ج ۶۷، ص ۲۴۹

[۱۶]. التهذيب، شيخ طوسي، ج ۶، ص ۱۱۳.

[۱۷]. بحار الانوار، مجلسی، ج ۴۳، ص ۲۶۱، باب ۱۲.

[۱۸]. «فَهَدَاهُمْ بِهِ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ أَنْقَذَهُمْ بِمَكَانِهِ مِنَ الْجَهَالَةِ». نهج البلاغه، خطبه ۱، مبعث النبی

[۱۹]. بحار الانوار، مجلسی ج ۱۶، ص ۱۹۰.

[۲۰]. التهذيب، شيخ طوسي، ج ۶، ص ۱۱۳.

[۲۱]. الارشاد، شيخ مفيد، ج ۲، ص ۹۱.

[۲۲]. التهذيب، شيخ طوسي، ج ۶، ص ۱۱۳.

[۲۳]. مستدرک الوسائل، حسين نوري، ج ۱۰، ص ۲۹۹.

[۲۴]. نک: قصص: ۲۱.

[۲۵]. التهذيب، شيخ طوسي، ج ۶، ص ۱۱۳، زیارت اربعين.

[۲۶]. همان.

[۲۷]. «إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْتَكُمُ عَلَى طَاعَةِ إِلَّا وَ أَسْبِقُكُمْ إِلَيْهَا وَ لَا أَنهَاكُمْ عَنْ مَعْصِيَةِ إِلَّا وَ أَتَنَاهِي قَبْلَكُمْ عَنْهَا». نهج البلاغه، خطبه ۱

[۲۸]. التهذيب، شيخ طوسي، ج ۶، ص ۱۱۳، زیارت اربعين.

[۲۹]. نک: نساء: ۷۸.

[۳۰]. «وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا وَ بَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْدَلِ الْأَدْنَى وَ شَرَى آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ». التهذيب، شيخ طوسي، ج ۶، ص ۱۱۳، زیارت اربعين

[۳۱]. التهذيب، ج ۶، ص ۱۱۳، زیارت اربعين.

[۳۲]. «فَقَدْ مَلَّتْ بُطُونُكُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَ طَبِعَ عَلَى قُلُوبِكُمْ». بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۸

[۳۳]. التهذيب، ج ۶، ص ۱۱۳، زیارت اربعين

[۳۴]. نک: طه: ۶۴.

[۳۵]. نک: اعلی: ۱۴.

[۳۶]. التهذيب، ج ۶، ص ۱۱۳، زیارت اربعين.

[۳۷]. وسائل الشيعه، حر عاملی، ج ۱۴، ص ۵۰۹، باب استحباب البكاء لقتل الحسين.

[۳۸]. «هر کسی که خون خود را به قصد لقای الهی بذل می کند، همراه ما بیاید که اگر خدا بخواهد، صبح حرکت می کنیم». اللهوف، ابن طاووس، ص ۶۰

[۳۹]. التهذيب، ج ۶، ص ۱۱۳، زیارت اربعين.